



An Examination of the Verses of Mustasnayat in Surah Al-Baqarah

Soheila Pirouzfard¹

Amir Reza Ghandahari Nejad²

Received: 01/06/2022

Accepted: 27/06/2022

Abstract

Verses of Mustasnayat (exceptions) or Mutadakhil mean the existence of some Madani verses in Makki surahs and vice versa. The claim of the existence of verses of Mustasnayat is not reflected in the works of the first century, but in the later works, and with the passage of time, the range of exceptions has been developed and faced with supporters and opponents. Gradually, 197 Madani verses in Makki surahs and 26 Makki verses in Madani surahs have been mentioned in the sources of Qur'anic sciences and interpretation. Some have rejected the existence of the exception and others have rejected some cases and confirmed some cases or remained silent about it. The most criticism is about the presence of Makki verses in coexistence of Makki verses in Madani Surah of al-Baqarah and by analyzing the reason for the formation of this claim, referring to the context and appropriateness of the verses and using the interpretations and criticism of the arguments of the claimants of exception, it has been shown that the mixture of the time and place criteria in the definition of Makki and Madani and the unquestioning acceptance of narrations and incorrect interpretation of the verse have led to the formation of exceptions in the verses. The revelation of these verses was integrated with the preceding and following verses in the Madani era, and this claim is basically invalid.

Keywords

Verses of Mustasnayat, Surah Al-Baqarah, Makki, Madani.

1. Associate professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Ferdowsi, Mashhad, Iran (Corresponding author). spirouzfard@um.ac.ir

2. M.A Student, University of Ferdowsi, Mashhad, Iran. amigh7474@gmail.com.

*Pirouzfard, S., & Ghandahari Nejad, A. R. (2022). An Examination of the Verses of Mustasnayat in Surah Al-Baqarah. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 4(12), pp. 136-158.

DOI:10.22081/JQSS.2022.64100.1195

بحث عن الآيات المستثنيات في سورة البقرة

سهيلا بيروزفر^١ أمير رضا قندهاري نجاد^٢

تاريخ القبول: ٢٧/٠٦/٢٠٢٢

تاريخ الاستلام: ١/٠٦/٢٠٢٢

الملخص

المقصود بالآيات المستثنيات أو المتداخلة هو وجود بعض الآيات المدنية في السور المكيّة، أو بالعكس وادّعاء وجود الآيات المستثنيات لم يرد في آثار القرن الأوّل، بل إنه ورد في آثار المتأخّرين وامتدت بمرور الزمان مساحة موارد الاستثناء، وجوبت بالمؤيدين والمخالفين وورد في مصادر العلوم القرآنية والتفسير بالتدرّج إشارات إلى وجود ١٩٧ آية مدنيّة في السور المكيّة ووجود ٢٦ آية مكيّة في السور المدنيّة وقد رفض البعض وجود الاستثناء من الأساس، بينما كان موقف البعض الآخر هو ردّ بعض الموارد وتأييد بعضها أو السكوت عنها. وأكثر النقود والاعتراضات كانت موجّهة لوجود الآيات المكيّة في السور المدنيّة وهذه المقالة تبحث بأسلوب التحليل النقدي في ادّعاء وجود الآيات المكيّة في سورة البقرة المدنيّة، فتبدأ بتحليل علّة ظهور هذا الادّعاء، ومن خلال استنادها إلى سياق الآيات وتناسبها والاستعانة بالتفسير المختلفة وتقدّم أدلّة مدعي الاستثناء؛ تشير إلى أنّ الذي أدّى إلى القول بالاستثناء في الآيات المذكورة إنّما هو الخلط بين المعايير المكانية والزمانية في تعريف المكي والمدني والقبول التام وغير المشروط بالروايات والتفسير الخاطئة للآيات، وإنّ الحقيقة هي أنّ نزول هذه الآيات إنّما كان دفعة واحدة مع الآيات السابقة واللاحقة لها وأنّ ذلك كان في العهد المدني ممّا يجعل هذا الادّعاء باطلاً من الأساس.

المفردات المفتاحية

الآيات المستثنيات، سورة البقرة، المكيّة، المدنيّة.

١. أستاذة مساعدة في قسم علوم القرآن والحديث بكلية الإلهيات بجامعة الفردوسي. مشهد، إيران (الكتابة المسؤولة).

spirouzfard@um.ac.ir

amigh7474@gmail.Com

٢. طالب ماجستير في جامعة الفردوسي. مشهد، إيران.

* بيروزفر، سهيلا؛ قندهاري نجاد، أمير رضا. (٢٠٢٢). بحث عن الآيات المستثنيات في سورة البقرة. مجلة دراسات العلوم القرآنية (فصلية علمية - محكمة)، ٤(١٢)، صص ١٣٦-١٥٨. DOI:10.22081/JQSS.2022.64100.1195

بررسی آیات مستثنیات سوره بقره

امیررضا قندهاری نژاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

سهیلا پیروزفر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

چکیده

آیات مستثنیات یا متداخل، به معنای وجود بعضی آیات مدنی در سوره‌های مکی و برعکس است. ادعای وجود آیات مستثنیات در آثار قرن اول منعکس نشده است، بلکه در آثار متأخر آمده و با گذشت زمان گستره موارد استثنا توسعه یافته و با موافقان و مخالفانی مواجه شده است. به تدریج در منابع علوم قرآنی و تفسیر از ۱۹۷ آیه مدنی در سوره‌های مکی و ۲۶ آیه مدنی در سوره مدنی یاد شده است. برخی از اساس، وجود استثنا را رد کرده‌اند و برخی دیگر، مواردی را رد و مواردی را تأیید کرده یا درباره آن سکوت کرده‌اند؛ بیشترین نقد درباره وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی است. این مقاله به روش تحلیل انتقادی ادعای وجود آیات مکی در سوره مدنی بقره را بررسی و با تحلیل چرایی شکل‌گیری این ادعا، با استناد به سیاق و تناسب آیات و بهره‌گیری از تفاسیر و نقد ادله مدعیان استثنا، نشان داده است خلط میان معیار مکانی و زمانی در تعریف مکی و مدنی و پذیرش بدون چون و چرای روایات و تفسیر نادرست از آیه، موجب شکل‌گیری استثنا در آیات شده است و نزول این آیات با آیات پیشین و پسین خود یکپارچه و در دوران مدنی بوده و این ادعا اساساً باطل است.

کلیدواژه‌ها

آیات مستثنیات، سوره بقره، مکی، مدنی.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد. ایران (نویسنده مسئول).

spirouzfard@um.ac.ir

amigh7474@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد. ایران.

* پیروزفر، سهیلا؛ قندهاری نژاد، امیررضا. (۱۴۰۱). بررسی آیات مستثنیات سوره بقره. فصلنامه علمی - ترویجی

DOI:10.22081/JQSS.2022.64100.1195

مطالعات علوم قرآن، ۴(۱۲)، صص ۱۳۶-۱۵۸.

مقدمه و طرح مسئله

گزارش‌های تاریخی گواه آن است که قرآن به صورت تدریجی و در طول ۲۳ سال بر رسول اکرم ﷺ نازل شده است. بخشی از نزول قرآن در مکه و بخشی دیگر در مدینه پس از هجرت رسول اکرم ﷺ انجام پذیرفت. قرآن پژوهان موضوع زمان، مکان و سبب نزول آیات و مکی و مدنی بودن سوره‌ها را یکی از مسائل مهم درخور توجه برای فهم زمینه‌های نزول قرآن کریم و در نتیجه فهم بهتر قرآن تلقی می‌کنند.

گزارش پیشینه اهمیت دادن به مکان و زمان نزول آیات و استفاده از آن برای فهم درست آیات و نقد تاریخی برخی گزارش‌ها، از زمان تابعیان بوده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیه‌ای نازل نشد جز اینکه دانستم درباره چه کسی و کجا نازل شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۳۸؛ برای اطلاع از دانش امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد قرآن نک: نهج البلاغه، خ ۱۹۲). گزارشی از سعید بن جبیر (۹۵ق) و عکرمة (۱۰۵ق) ذیل آیه ۴۳ سوره رعد درباره «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» نقل شده است که با استناد به مکی بودن سوره رعد، نزول آیه درباره عبدالله بن سلام را رد کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۳۰۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۱۹).

در برخی منابع به این نکته اشاره شده است که آیات بعضی سوره‌ها بی‌پای و در واحدهای پشت سر هم نازل نشده‌اند. برخی دانشمندان با استناد به روایت «ضعوا هذه الآية في السورة التي يذكر فيها كذا وكذا...» (ترمذی، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۷۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵) نتیجه گرفته‌اند چپ‌سوی آیات بر مبنای نزول پیوسته نبوده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از نزول آیه یا آیاتی مکان آن را در سوره مشخص می‌کردند؛ از این رو این امکان وجود دارد که یک یا چند آیه از یک سوره مدنی، در مکه یا آیه یا آیاتی از یک سوره مکی در مدینه نازل شده باشد و جایابی آنها توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله یا در دوره‌های بعد توسط صحابه انجام پذیرفته باشد. در برخی منابع آمده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخی آیات مدنی را در سوره‌های مکی و بالعکس قرار داده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵). این دیدگاه با مخالفت‌هایی مواجه است که ارزیابی مستندات آن مجال دیگری می‌طلبد. برخی عالمان معتقدند: «آیات هر سوره بعد از نزول بسم الله آن، یکی پس از دیگری و به ترتیب نزول آنها چیده شده‌اند» (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۳-۵۵). در گزارش‌های دیگری آمده است

نزول بسم الله الرحمن الرحيم نشان‌دهنده پایان سوره قبل و شروع سوره جدید بوده است. از جمله عیاشی در تفسیر خود روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «کان يعرف انقضاء سوره بنزول بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ابتداءً لاخری؛ با نزول بسمله پایان یک سوره و آغاز سوره دیگر مشخص می‌گردید» (عیاشی ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۹).

ابن عباس می‌گوید: «ان النبی لا یعرف خاتمة السورة حتى تنزل بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فإذا نزل بسم الله الرحمن الرحيم علم أن السورة قد ختمت واستقبلت وابتدأت سورة أخرى؛ برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایان سوره مشخص نمی‌شد تا اینکه بسمله نازل می‌شد. پس هنگامی که بسمله نازل می‌گردید، برایش مشخص می‌شد یک سوره پایان یافته و سوره جدیدی آغاز گردیده است» (هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۳۱۰). پذیرش این دیدگاه وجود استثنا در سوره‌ها را با مشکل جدی مواجه می‌کند.

از حدود نیمه دوم قرن دوم، موضوع مستثنیات آیات به مبحث مکی و مدنی بودن سوره‌های قرآن کریم اضافه شد. تعداد آیات استثناسده در طول تاریخ تفسیر با جستجو در کتاب‌های تفسیری و علوم قرآنی به ۲۲۳ آیه رسیده است که از این میان ۱۹۷ آیه مدنی در سوره‌های مکی و ۲۶ آیه مکی در سوره‌های مدنی است (فائز، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲).

اما چگونه می‌توان این ادعا را پذیرفت و آیه یا آیاتی را به استناد برخی روایات که خبر واحد تلقی می‌شوند، از واحد نزول خود و آیات قبل و بعد جدا دانست؟ و چه عاملی سبب ایجاد این ادعا شده است؟ در این صورت بلا تکلیف ماندن یک آیه مکی تا زمانی که سوره‌ای مدنی نازل شود و آیه در آن جایابی شود، دور از روش معروف ثبت آیات است (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۰). گزارشی از صحابه نقل نشده است که مثلاً وقتی آیه یا آیاتی در مدینه نازل و سپس در سوره‌ای مکی که آیاتش قبلاً نازل و در سینه حفظ شده و اصحاب آن را مکرر تلاوت کرده و در نماز خوانده بوده‌اند، جانمایی شده، چگونه با آن کنار بیایند و آنچه حفظ کرده بودند، تغییر دهند و تکلیف نمازهایی که با آن سوره بدون آیات جدید خوانده‌اند، چه می‌شود و چگونه به سرعت جای آیه در میان آیات جدید سوره در میان اصحاب بدون هیچ اختلافی در تلاوت آن مشخص بوده است؟ گزارشی هم از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نکرده‌اند که آن حضرت از

خواندن سوره‌ای در نماز یا در مسجد به هنگام اقرار، به دلیل اینکه هنوز کامل نشده و بعداً برخی آیاتش نازل خواهد شد، منع کرده باشند و چگونگی است که کسی درباره آیاتی که در مکه نازل شده، ولی جانمایی نشده و بلا تکلیف مانده‌اند و در انتظار نزول سوره‌ای در مدینه مانده تا جانمایی شوند، سؤالی نکرده است؟ مرحوم معرفت در این باره می‌نویسد: قرار گرفتن یک آیه مدنی در سوره‌ای مکی نیاز به نصی صریح دارد و حدس و اجتهاد نظری به آن راه نمی‌یابد (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۰).

این مسئله درباره تک تک موارد ادعایی قابل توجه است؛ از این رو برخی عالمان به موارد مستثنیات توجه نشان داده‌اند. جالب اینکه اختلاف نظر درباره مصادیق آیات مورد استثناء بسیار مشهود است. بیشتر این اختلاف‌ها به اختلاف نظر در تحلیل روایات تفسیری ذیل این آیات و به خصوص روایات سبب نزول و درک نادرست و یا ناقص از تناسب و معنای آیات برمی‌گردد.

با بررسی منابع موجود به نظر می‌رسد اولین آثار گزارش اختلاف درباره آیات متداخل در تفسیر منسوب به مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ق) باشد. روند اختلاف تا سده ششم بسیار گسترش یافته است. ابوعمر و الدانی (۴۴۴ق) در کتاب البیان فی عدد آی القرآن فهرستی از آیات مستثنا را آورده و مرحوم طبرسی در مجمع البیان اول هر سوره استثنائات را ذکر کرده است. زرکشی در البرهان (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۲۸۷-۲۹۰) و سیوطی در الاتقان (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۷۲-۸۴) با تعبیر الآیات المدنیات فی السور المکیه و الآیات المکیات فی السور المدنیه، از این دسته آیات ذیل بحث مکی و مدنی یاد کرده‌اند.

از جمله سوره‌هایی که ادعا شده است در آن آیات مستثنا وجود دارد، سوره بقره است. با اینکه سوره بقره به اجماع عالمان مسلمان سوره‌ای مدنی دانسته می‌شود (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۰؛ ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۴؛ طبری، ۱۳۵۶ق، ج ۱، ص ۲۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ دانی، ۲۰۱۱م، ص ۱۷۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۸؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۱۱۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹، برخی از آیات این سوره از جمله آیات ۱۰۹ و ۲۷۲ (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۲) و آیه ۲۸۱ (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۱۱۱)، مکی دانسته شده‌اند.

این تحقیق به ادعای وجود آیات مستثنیات در سوره بقره توجه نشان داده و به پرسش‌های زیر پاسخ داده است:

چه تعداد آیه در سوره بقره استثنا شده و دلایل استثنا چیست و تا چه حد می‌توان آن را پذیرفت؟

پیشینه

در حوزه مستثنیات و نقد یا تأیید این ادعا در آثار علوم قرآنی ذیل موضوع مکی و مدنی مطالبی می‌توان یافت. مرحوم معرفت در کتاب خود فهرستی از آیات مستثنیات را ذکر کرده و مواردی را به نقد کشیده است. دکتر فائز نیز در دو اثر خود به موضوع مستثنیات پرداخته است. وی در کتاب بررسی و نقد تداخل آیات مکی و مدنی و مقاله «بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی» به طور کلی به دیدگاه‌ها درباره این موضوع اشاره کرده است؛ ولی به شکل خاص درباره مستثنیات سوره بقره بحثی نشده است. همچنین در مقاله «عوامل پیدایش آیات مستثنیات» از حیدری مزرعه آخوند، اقبال و اشتری رکن‌آبادی (۱۳۹۵)، تحقیق مستقلی درباره بررسی آیات مستثنیات سوره بقره انجام نشده است.

۱. مباحث نظری

۱-۱. سوره بقره

سوره بقره بنابر تصریح بسیاری از مفسران و محققان، نخستین سوره‌ای است که پس از هجرت در مدینه نازل شده است (نک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۵۲؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۹۹). تنوع و گستردگی موضوعات در این سوره، بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان را بر آن داشته تا به نزول تدریجی آیات آن حکم کنند. برخی بر این باورند که نزول این سوره پیوسته نبوده و از ابتدای دوران مدنی تا به روزهای پایانی زندگی پیامبر ﷺ به طول انجامیده و میان نزول بخش‌های مختلف این سوره، سوره‌های دیگری نازل شده‌اند (ابن‌عادل، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۵۲) تا جایی که آیه ۲۸۱ از این سوره را

آخرین آیه نازل شده بر رسول اکرم تلقی کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۷۶-۶۷۷ و...).

مطالعه تاریخی برای تعیین نزول آیات و سوره‌های قرآن کریم، حرکت نویی است که ضرورت آن با توجه به ماهیت نزول تدریجی قرآن و مناقشات فراوان مفسران در تعیین زمان نزول آیات و سوره‌ها، ضروری به نظر می‌رسد؛ اما تأخیر در ثبت و ضبط حوادث تاریخی صدر اسلام، دخالت گرایش‌ها و راهیابی دروغ و اجتهاد به گزارش‌های تاریخی و اعتماد بدون چون و چرای برخی مورخان اسلامی به ناقلان خبر به‌خصوص آنچه از سبب نزول از صحابه منتقل شده و تلقی آن به‌منزله حدیث مرفوع، اعتماد به این روایات را با مشکل جدی مواجه کرده است.

تعیین تاریخ نزول برخی آیات سوره بقره که ناظر به بعضی حوادث تاریخی دوران مدنی نزول قرآن است، با مراجعه و مطالعه تاریخ اسلام آسان به نظر می‌رسد، مانند آیات مربوط به ماجرای یهود مدینه و پیمان پیامبر ﷺ با آنان، تحویل قبله در شعبان سال دوم (نک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۷؛ یعقوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۱۱۵) و تشریح روزه در شعبان سال دوم (نک: یعقوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۱۱۵)؛ اما برخی دیگر از آیات این سوره از جمله آیات مربوط به حج و عمره از آنجا که در منابع تاریخی حج یا عمره در سال‌های نخست پس از هجرت گزارش نشده و از سوی دیگر شرایط سیاسی روابط مسلمانان و مشرکان در سال‌های اولیه پس از هجرت و در نتیجه عدم امکان شرکت مردم مدینه در مراسم حج و عمره در کنار مشرکان مکه، باعث شده است با دیدگاه‌های مختلفی درباره تاریخ نزول این آیات میان مفسران مواجه شویم که در همه این دیدگاه‌ها تاریخ نزول این آیات، پس از سال‌های اولیه هجرت از سال ششم تا دهم هجری تخمین زده شده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۷۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۷۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۰۳). سیوطی در الدر المنثور گزارش می‌کند آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳ بقره در سال دهم هجرت نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰؛ نیز نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۸۴؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۳)؛ در نتیجه نزول این آیات سال‌ها پس از شروع نزول سوره بقره بوده و نزول آیات سوره ناپیوسته بوده است. از جمله دلایل این

دیدگاه عبارت «فَإِنْ أَحْصَيْتُمْ» در آیه ۱۹۶ سوره بقره است که براساس برخی روایات سبب نزول به منع مسلمانان از اعمال عمره توسط مشرکان در سال ششم مرتبط است. در برخی منابع عامه آیه به ماجرای حلق رأس و بیماری کعب بن عُجره مرتبط دانسته شده که در سال ششم رخ داده است. بازرگان با تحلیل آماری خود نزول این آیات را مربوط به سال‌های ششم و هفتم دانسته (بازرگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۱) و علامه طباطبایی نزول این فراز را در حجة الوداع یعنی سال دهم هجری دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۷۵). در این میان محمد عزت دروزه با نشان دادن ارتباط و تناسب آیات ۱۸۹ تا ۲۰۲ و اسلوب مشابه و یکسان این بند با دیگر آیات این سوره، نزول همه این آیات را یکپارچه و مربوط به همان سال‌های اولیه هجرت رسول اکرم ﷺ دانسته است (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۳۴۱). پس از هجرت روابط مکه و مدینه رو به تضییق و سیاهی گراییده و تحت تأثیر شرایط سیاسی جدید قرار گرفت؛ اما برخی گزارش‌ها به برگزاری اعمال حج و عمره توسط مردم مدینه در سال‌های نخستین هجری اشاره دارد. دروزه نشان داده است برخی افراد متمکن به صورت انفرادی پیش از فتح مکه مراسم حج و عمره را به‌جا آورده‌اند (نک: دروزه، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۳۴۰). مؤید این دیدگاه گزارشی از طبری است که گفته است این آیات درباره انصار نازل شده که هنگام بازگشت از حج از در وارد خانه نمی‌شدند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۰۸). با در نظر گرفتن آیات تحویل قبله و وجوب روزه که در شعبان سال دوم نازل شده‌اند، آیه ۱۸۹ نیز باید ناظر به حج مردم مدینه در سال اول یا دوم هجری باشد و خداوند خطاب به آنان این رسم را جاهلی دانست و از آن منع کرد؛ بنابراین برداشت متفاوت از آیات با کمک پیش‌فرض‌ها باعث شده درباره تاریخ نزول آیات با دیدگاه‌های مختلفی مواجه شویم و این آیات به‌عنوان نمونه‌ای برای نزول ناپیوسته سوره بقره مناسب نیست.

۱-۲. ملاک مکی و مدنی بودن سوره

میان دانشمندان علوم قرآنی و تفسیری، در تعریف و ملاک شناسایی مکی و مدنی بودن سوره اتفاق نظر نیست. زرکشی گزارش این اختلاف را به‌خوبی منعکس

کرده است و به‌طور کلی در این زمینه ملاک خطاب، مکان و زمان را مطرح کرده است که البته در جای خود در مورد جامع یا مانع بودن هریک از این ملاک‌ها مباحثی مطرح شده است (نک: زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۲۷۳-۲۷۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۵۵-۵۶). تعریف رایج و معیار مشهور در مکی و مدنی بودن سوره‌ها دسته‌بندی براساس زمان است. بیشتر صاحب‌نظران به‌ویژه متأخران همین تعریف و معیار را برگزیده‌اند و معتقدند تقسیم آیات قرآن به مکی و مدنی براساس زمان قبل و بعد از هجرت است (حکیم، ۱۴۲۵ق، ص ۷۴؛ نیز نک: زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۷۴).

۱-۳. مستثنیات

مستثنیات به این معنا است که یک یا چند آیه از یک سوره مدنی، پیش از هجرت و آیه یا آیاتی از یک سوره مکی پس از هجرت به مدینه نازل شده و در میان سوره جایابی شده باشند. بیشتر عالمان جایابی آیات را به رسول اکرم ﷺ نسبت داده‌اند و برخی دیگر در این باره اجتهاد صحابه را نیز دخیل دانسته‌اند. در منابع به‌جامانده از سده اول و در آثار سده دوم مانند کتاب الناسخ و المنسوخ قتاده (۱۱۷ق) و کتاب تزیل القرآن بمکه و بالمدينة زهری (۱۲۴ق) اشاره به استثنای آیات دیده نمی‌شود؛ ولی در همین سده در کتاب تفسیری منسوب به مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ق) برای اولین بار ادعای وجود برخی آیات مستثنیات دیده می‌شود. با توجه به نبود اعتماد کامل به انتساب نسخه به مقاتل بن سلیمان، احتمال اینکه این ادعا را بعدها مفسران بدان افزوده باشند وجود دارد.

در منابع سده سوم نمونه‌های اندکی از استثنا به چشم می‌خورد؛ مثلاً ابن‌ضریس بجلی در کتاب فضائل القرآن به وجود برخی مستثنیات اشاره کرده است. وی ملاک خود برای مکی و مدنی بودن سوره‌ها را آیات آغازین هر سوره دانسته است (ابن‌ضریس، ۱۴۰۸ق، ص ۳۳). این عبارت در نظر او بدین معنا است که ممکن است سوره‌ای هم آیات مکی و هم داشته باشد، ولی ملاک ما برای تشخیص مکی و مدنی بودن سوره، تنها نظر به آیات آغازین آن سوره است. در همین سده، طبری نیز به وجود آیات مستثنیات در

آیه ۱۰ و ۱۱ سوره عنکبوت اشاره کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۸۶). در منابع سده چهارم و پنجم با گسترش اجتهاد و رأی‌گرایی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی از یک سو و اعتماد بدون چون و چرا به روایات تفسیری از سوی دیگر، شاهد افزایش قائلان به وجود استثنا در سوره‌ها و افزایش آمار مستثنیات هستیم؛ از جمله معانی آیات مدنی القرآن نحاس (۳۳۸ق)، الناسخ و المنسوخ ابن سلامه (۴۱۰ق) و المحلی فی شرح المجلی ابن حزم (۴۵۶ق) و التبیان شیخ طوسی (۴۶۰ق) کتاب البیان فی عد آی القرآن ابو عمرو والدانی (۴۴۴ق) فهرستی از آیات مستثنیات را ذکر کرده‌اند. این آمار در سده ششم و هفتم به اوج خود رسیده است. طبری در مجمع البیان، در اول هر سوره به استثنائات اشاره کرده است و بالأخره زرکشی با تعبیر الآیات المدنیات فی السور المکیه و الآیات المکیات فی السور المدنیه از این دسته آیات ذیل بحث مکی و مدنی یاد کرده است. رشد آیات مستثنا شده در گذر زمان احتمال وجود اجتهاد مفسران در این باره را تقویت می‌کند و بنابراین باید به دنبال دلایل این ادعا و تحلیل صحت و سقم آن باشیم.

۲. استثنا در سوره بقره

۲-۱. دیدگاه مفسران درباره مکی و مدنی بودن این سوره

برخی بر آن‌اند که آیات سوره بقره تدریجی و با تفاریق زمانی نازل شده و در زمان محدود تکمیل نشده است و برای تکمیل و مرتب کردن آیات آن مدت زمان زیادی حتی تا ده سال را در نظر گرفته‌اند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۹۹). پیش از این بیان شد برخی مفسران از جمله علامه طباطبایی نزول آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره را در سال دهم هجری و در حجه الوداع، یعنی آخرین حجی که رسول خدا ﷺ انجام داد و در آن حج تمتع تشریح شد دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۷۵). نیز گفته شده است آیات ۲۷۵ تا ۲۸۰ این سوره که بر حرمت ربا تأکید دارد، پس از نزول سوره آل عمران نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۰۸؛ طبری، ۱۳۷۲، ج ۲، صص ۶۶۷-۶۷۶). برخی این آیات را جزو آخرین آیات نازل شده قرآن یاد کرده‌اند (قطب شاذلی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۷). آیه ۲۸۱ در حجه الوداع نازل شده و آخرین آیه فرود

آمده بر پیامبر اکرم ﷺ است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۲۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، صص ۶۷۶-۶۷۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱۴).

۲-۲. آیات مستثنیات در سوره بقره

در بعضی کتاب‌های تفسیری و علوم قرآنی ادعای استثنا درباره سه آیه از سوره بقره مطرح شده است. ادعا این است که آیات ۱۰۹، ۲۷۲ و ۲۸۱ مکی هستند و بعدها در میان آیات سوره بقره جانمایی شده‌اند.

در کتاب‌های تفسیری و علوم قرآنی سده‌های اول تا چهارم، صحبتی از استثنای این آیات نیست. سیوطی در بین ۹۰ آیه استثنای در کتاب الاتقان، مواردی را بدون ذکر قائل و به صورت مجهول بیان کرده است. استثنای آیات سوره بقره نیز از این موارد است. وی دو آیه ۱۰۹ و ۲۷۲ سوره بقره را جزو آیات مستثنیات دانسته است. «البقره: استثنی منها آیتان: فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا» (بقره، ۱۰۹) و «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ» (بقره، ۲۷۲) (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۲).

در نتیجه ادعای مستثنا درباره سوره بقره، قائل مشخصی ندارد و به درستی معلوم نیست سیوطی از چه کسی نقل کرده است. استثنای آیه ۲۸۱ سوره بقره را مرحوم طبرسی مطرح کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۱۱).

۲-۳. عوامل پیدایش آیات مستثنیات در سوره بقره

بررسی دیدگاه‌ها درباره این استثنا نشان می‌دهد عواملی سبب ایجاد این نگرش شده است:

۲-۳-۱. روایات سبب نزول

سبب نزول حادثه، پیشامد و ماجرای است که در زمان پیامبر ﷺ به وقوع پیوسته یا استفتا و سؤالی است که از آن حضرت شده و به دنبال آن خداوند ناظر به آن حادثه یا در پاسخ به سؤال، آیه یا آیاتی نازل فرموده است؛ خواه آن حادثه آتش خصومتی باشد

که شعله‌ور شده است، خواه خطای فاحشی باشد که صورت پذیرفته است و خواه خواسته و تمنایی باشد (زرقانی، بی تا، ج ۱، صص ۹۹-۱۰۰). این اسباب در قالب روایات و اخبار ظنی الصدور بیان شده‌اند و چون حکایت شده‌اند احتمال جعل، تحریف و... در آنها وجود دارد. در این زمینه تعداد روایات مسند از معصومان علیهم السلام بسیار ناچیزند. برخی مفسران مانند علامه طباطبایی با توجه به ویژگی‌های بافت موقعیتی و سیاق آیات در ارزیابی روایات سبب نزول، نشان داده‌اند غالب این روایات با اجتهادات گاه نادرست صحابه و تابعان و گاه جعل و تحریف همراه بوده است. مشکل دیگری که اسباب نزول با آن مواجه شده این است که در دوره‌های متقدم و قبل از تدوین و تثبیت روایات سبب نزول، پیروان برخی فرق و مذاهب، آیات را نه با توجه به بافت موقعیتی زمان نزول آن و روایات صحیح از صحابه، بلکه متناسب با باورها و منافع خود فهمیده‌اند و بعید نیست که پیش از آن، بافت موقعیتی متناسب با آن را نیز ساخته باشند؛ از این رو برخی روایات موجود، نه سبب نزول آیات، بلکه بازتاب‌دهنده ویژگی‌های زمانی و مکانی دوره‌ای غیر از دوره نزول قرآن است و ارزشی به جز شناسایی ویژگی‌های بافت موقعیتی زمانی که جعل شده ندارند (نک: پیروزفر، ۱۳۹۰، صص ۸۵-۹۴).

استدلال کسانی که آیه ۲۷۲ سوره بقره را جزو مستثنیات برشمرده‌اند، این است که این آیه مانند آیه «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (قصص، ۵۶) درباره مشرکان نازل شده است؛ بنابراین مکی است (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۴) در ادامه این ادعا بررسی خواهد شد.

۲-۳-۲. تفسیر نادرست آیه

از عوامل ادعای مستثنیات، تفسیر نادرست آیات قرآن است؛ برای مثال برخی مفسران به علت وجود عبارت «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ» در آیه ۱۰۹ سوره بقره نتیجه گرفته‌اند که این آیه درباره مشرکان مکه نازل شده است و دستور عفو و گذشت مربوط به زمانی است که مسلمانان ضعیف بودند و قدرت نداشتند (نک: معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۴). بی توجهی به سیاق آیات و برداشت نادرست از وقایع تاریخ نزول

می‌تواند دلیل عمده استثنا کردن آیه مذکور باشد؛ چراکه صبر و مدارا محدود به زمان مکی نیست.

۲-۳-۳. خلط میان معیارهای شناخت مکی و مدنی

اشتباه در معیار شناخت مکی و مدنی عامل دیگری است که باعث مستنادانستن برخی آیات قرآن شده است. همان‌طور که گفته شد، بهترین راه شناخت مکی و مدنی بودن آیه که هم جامع و هم مانع باشد، معیار زمان است؛ اما اگر مفسران مکان را معیار تعیین مکی و مدنی بودن آیه قرار دهند، آیاتی که در اواخر عمر پیامبر ﷺ پس از صلح حدیبیه و فتح مکه در مکان مکه و اطراف آن نازل شده، مکی دانسته خواهد شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۱۱). این موضوع در آیه ۲۸۱ سوره بقره قابل تحلیل است.

۳. بررسی دیدگاه‌ها درباره آیات استثناشده سوره بقره

۳-۱. استثنای آیه ۱۰۹ سوره بقره

«وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بسیاری از اهل کتاب، از روی حسادت - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند، با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید تا خداوند فرمان خود (فرمان جهاد) را بفرستد. خداوند بر هر چیزی تواناست» (بقره، ۱۰۹).

مرحوم معرفت می‌نویسد: برخی بر آن‌اند آیه گفته‌شده به دلیل عبارت «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» که درباره مشرکان مکه نازل شده و دستور عفو و گذشت داده است، مربوط به زمانی است که مسلمانان در موضع ضعف و سختی بودند و قدرت مقابله نداشتند (نک: معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۴).

بسیاری از مفسران در تفسیر آیات سوره بقره، به مستثنی بودن هیچ‌کدام از آیات آن اشاره‌ای نکرده‌اند. به نظر می‌رسد ابو عبیده معمر بن مثنی (۲۰۹ق) در تفسیر «مجاز

القرآن» اولین کسی باشد که این ادعا را مطرح کرده است. ابو عبیده بدون استناد به روایتی که تاریخ نزول آیه را نشان دهد گفته است: هر فرمانی که از جهاد با کفار نهی کرده، قبل از دستور به جنگ بوده و مکی است (ابو عبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۵۰).

آقای معرفت با توجه به صدر آیه که درباره اهل کتاب است، می گوید: برخی گمان کردند این آیه در شأن مشرکان مکه در آن زمان که مسلمانان در مکه ضعیف بودند، نازل شده است؛ ولی صدر آیه «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...» شاهی است که این آیه در شأن اهل کتاب اوایل هجرت رسول اکرم ﷺ به مدینه نازل شده است. در این زمان هنوز اسلام به قدرت و شوکت زیادی نرسیده بود (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۴). مرحوم معرفت توضیح می دهد با قدرت گرفتن مسلمانان در مدینه آیه ۲۹ سوره توبه نازل شد: «فَاتْلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ؛ با کسانی از کتاب داده شدگان (جهودان و ترسیان) که به خدای و روز واپسین ایمان نمی آورند و آنچه را که خدا و پیامبر او حرام کرده اند، حرام نمی شمارند و دین حق را نمی پذیرند، کارزار کنید تا آن گاه که به دست خود جزیه دهند، در حالی که خواران باشند».

زمخشری روایتی را در سبب نزول این آیه آورده است که براساس آن، نزول آیات پس از جنگ احد خطاب به برخی از اهل کتاب مدینه بوده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۷۶).

توجه به تناسب و ارتباط تنگاتنگ آیات قبل این آیه نیز یکپارچگی آیات این فراز را نشان می دهد و ادعای استثنا را رد می کند. آیات قبل کارشکنی ها و خصلت های زشت اهل کتاب به ویژه یهود را برشمرده اند. این آیه نیز به یکی دیگر از آن خصلت ها که در آیه ۱۰۵ سوره بقره نیز به آن اشاره شده، یعنی صفت مذموم و پلید حسادت تصریح می کند، با این تفاوت که در آیه ۱۰۵ به صورت ملایم تر و در این آیه با شدت بیشتری بیان شده است. اهل کتاب نزول خیر بر شما را دوست ندارند (آیه ۱۰۵) و خداوند متعال از نسخ شرایع پیشین و آمدن بهتر از آن یاد کرده است (آیه ۱۰۶). در آیه مذکور اشاره می کند کفار و اهل کتاب علاقمندند تا مؤمنان کافر شوند.

سیاق آیات درباره اهل کتاب است که به دلیل حسادت آرزو می کنند مؤمنان بعد از

اینکه حق برایشان روشن شده، کافر شوند و خداوند تهدیدوار با به رخ کشیدن قدرتش به مؤمنان توصیه می کند تا رسیدن امرش گذشت و مدارا پیشه کنند. آیه ۱۰۸ تصریح می کند کسی که ایمانش را به کفر تبدیل کند، در گمراهی است و آیه ۱۱۰ نیز به یکی دیگر از ادعاهای اهل کتاب که گمان می کردند بهشت مخصوص آنان است، اشاره می کند.

همسانی فاصله در آیات ۱۰۶ تا ۱۱۰ نیز یکپارچگی نزول آیات را نشان می دهد. قدیر، نصیر، سیل، قدیر، بصیر و هم وزن بودن آنها دلیل بر هماهنگی بافت آیات با هم است. آیه ۱۰۹ و ۱۱۰ با واو به آیه مذکور ارتباط پیدا کرده است.

۲-۳. آیه ۲۷۲ سوره بقره

«لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسْكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْتَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ هدایت آنها [به طور اجبار] بر تو نیست؛ ولی خداوند، هر که را بخواهد [و شایسته بداند]، هدایت می کند و آنچه از خوبی ها و اموال انفاق می کنید، برای خودتان است؛ [ولی] جز برای رضای خدا، انفاق نکنید! و آنچه از خوبی ها انفاق می کنید، [پاداش آن] به طور کامل به شما داده می شود و به شما ستم نخواهد شد» (بقره، ۲۷۲).

۱-۲-۳. بیان دیدگاه

براساس منابع موجود برای اولین بار سیوطی در کتاب الاتقان خود این آیه را جزو مستثنیات سوره بقره معرفی کرده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۲).

به گفته آقای معرفت، استدلال کسانی که این آیه را جزو مستثنیات سوره بقره دانسته اند، این است که آیه مذکور مانند آیه «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (قصص، ۵۶) درباره مشرکان نازل شده است و بنابراین مکی است (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۴).

با جستجو در تفاسیر، مشخص نشد کدام مفسر، آیه ۲۷۲ سوره بقره را جزو مستثنیات

این سوره دانسته است؛ اما به نظر می‌رسد استثنای آیه به دلیل دیدگاه مقاتل بن سلیمان در تفسیر منسوب به او باشد که نزول آیه را درباره مشرکان می‌رسد و در تفسیر خود می‌نویسد: آیه درباره صدقه غیر واجب در حق مشرکان نازل شده است» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۲۴).

در نتیجه قائلان به استثنای آیه ۲۷۲ سوره بقره، با اعتقاد به اینکه این آیه درباره مشرکان نازل شده و خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید «هدایت مشرکان بر تو واجب نیست» و چون مشرکان در مکه بوده‌اند، می‌گویند پس باید این آیه مکی و در میان سوره بقره جانمایی شده باشد.

برخی محققان در رد این ادعا به تناسب آیات، شأن نزول و نکات بلاغی توجه نشان داده‌اند:

آقای معرفت در رد ادعای مستثنای آیه می‌گوید: این آیه درباره انفاق مسلمانان به کفار است؛ زیرا مسلمانان از انفاق به کفار خودداری می‌کردند و می‌گفتند انفاق به آنها حرام است، چون مسلمان نیستند (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۵).

در این آیه مخاطب تغییر پیدا کرده و خطاب از مؤمنان به رسول اکرم ﷺ متوجه شده است؛ در نتیجه با تغییر خطاب متوجه این مطلب می‌شویم که بخشش‌ها و انفاق‌های ریاکارانه و همراه با اذیت و منت مردم، رسول اکرم ﷺ را ناراحت کرده و خداوند برای آرامش خاطر ایشان، وظیفه هدایت تکوینی مردم را از عهده ایشان برداشته است. همچنین بعد از این جمله معترضه، به مسئله انفاق پرداخته شده است (نک: فائز، ۱۳۹۵، ص ۷۵).

۲-۲-۳. سبب نزول

سعید بن جبیر از پیامبر درباره سبب نزول این آیه روایت کرده است مسلمانان به فقرای اهل ذمه صدقه می‌دادند و چون فقیران مسلمان زیاد شدند، پیامبر فرمودند: صدقه ندهید، مگر به کسانی که اهل دین شما باشند. پس این آیه نازل شد و صدقه دادن را به کسانی که در دین اسلام هم نیستند، مباح اعلام کرد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۳۷).

از ابن عباس نقل شده است: پیامبر اکرم ﷺ به ما امر می کرد فقط به مسلمانان صدقه بدهیم تا اینکه آیه «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ...» (بقره، ۲۷۲) نازل شد و پس از آن امر کردند به هر سائلی از هر دینی صدقه بدهید (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۸۵). قرطبی نوشته است: عالمان ما گفته‌اند: مراد از مباح بودن صدقه به غیر مسلمانان، صدقات مستحبی است و گرنه صدقه واجب به کافر جایز نیست (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۳، ص ۳۳۷).

آیه مورد بحث در درون آياتی قرار گرفته است که موضوع همه آنها انفاق است؛ یعنی از آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴ به لحاظ موضوع ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

آیه از لحاظ معیارهای قرآن مدنی، ویژگی‌های آن را داراست؛ زیرا لحن آرامی دارد و طول آیه نیز سه و نیم سطر است. علاوه بر این در آغاز آیه ۲۷۲ سوره بقره، جار و مجروری وجود دارد که متعلق به «ماتنفقوا من خیر...» در آیه ۲۷۱ است و مرجع ضمیر «هم» در آیه ۲۷۱ «ظالمین» در آیه ۲۷۰ است و ارتباط لفظی میان آيات برقرار است.

۳-۳. آیه ۲۸۱ سوره بقره

«وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ و از روزی پرهیزید [و بترسید] که در آن روز، شما را به سوی خدا باز می گردانند؛ سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می شود و به آنها ستم نخواهد شد» (بقره، ۲۸۱).

با بررسی منابع موجود، اولین کسی که این آیه را مکی دانسته، علی بن محمد ماوردی (۴۵۰ق) است که در تفسیر «النکت و العیون» خود می گوید: «أن البقرة مدنية فی قول الجميع، إلا آية منها، و هی قوله تعالى: وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ، فإنها نزلت يوم النحر فی حجة الوداع بمكة؛ از دیدگاه همه مفسران سوره بقره مدنی است مگر یک آیه از این سوره که در روز عید قربان در حجة الوداع در منا نازل گردید و آن آیه عبارت است از "وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ" (ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۶۳).

زرکشی نیز همین نقل را از او در کتاب علوم قرآن خود گزارش می کند (زرکشی،

بسیاری دیگر از دانشمندان قرآن پژوه هنگام بحث درباره آخرین آیه نازل شده بر رسول اکرم ﷺ با استناد به این نقل نزول آیه را در منا در حجه البلاغ دانسته‌اند. طبرسی این آیه از سوره بقره را از مدنی بودن سوره استثنا کرده و گفته این آیه که آخرین آیه نازل شده بر پیامبر اکرم ﷺ است، در حجه الوداع در منا نازل شده است و پیامبر به دستور جبرئیل در بعد از آیه ۲۷۹ سوره بقره قرار داد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ج ۲، ص ۶۷۶). بنابراین از دید زرکشی و طبرسی چون آیه ۲۸۱، خارج از مدینه و در مکه و اطراف آن نازل شده، مکی است. زرکشی و طبرسی به استثنابودن آیات ۱۰۹ و ۲۷۲ سوره بقره، هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند.

چنان‌که معلوم است به فرض پذیرش این گزارش تاریخی نزول این آیه در حجه البلاغ یعنی پس از هجرت رسول خدا ﷺ است؛ بنابراین استثنای این آیه به این معنا که آیه‌ای مکی در میان آیات سوره مدنی بقره جایابی شده باشد، نیست و خلط میان معیار تعریف مکانی برای مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌ها با ملاک مشهور زمانی باعث به وجود آمدن این استثنا شده است.

نتیجه‌گیری

در منابع موجود و منقول از سده اول اثری از استثنا دیده نمی‌شود؛ اما برداشت‌های متفاوت از آیات قرآن که با ابزار اجتهادی صورت می‌گیرد، باعث شده به تدریج از نیمه سده دو و سه استثنای برخی آیات به چشم خورد و در سده‌های بعد به اوج خود برسد. استثنا درباره وجود آیات مکی در میان سوره‌ای مدنی طرفدار زیادی ندارد. مقاله حاضر به استثنای آیتی از سوره بقره توجه کرده و نشان داده است فقط درباره ۳ آیه، ادعای استثنا شده است. خلط میان معیار تعریف مکی و مدنی و فهم و برداشت نادرست از آیه و اعتماد بدون چون و چرا به برخی روایات سبب این استثنا شده است. ادله استثنا در سه آیه سوره بقره چنگی به دل نمی‌زند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۶ق). الکامل فی التاریخ (ج ۲). بیروت: دارصادر.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی. (۱۴۱۰ق). طبقات الکبری (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن ضریس، محمد بن ایوب. (۱۴۰۸ق). فضائل القرآن. دمشق: دارالفکر.
۵. ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن ابی زمنین (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن عادل، عمر بن علی. (۱۴۱۹ق). اللباب فی علوم الکتاب (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۷. ابن عاشور، محمداطاهر. (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور (ج ۱). بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۸. ابو عبیده، معمر بن مثنی. (۱۳۸۱ق). مجاز القرآن (ج ۱). قاهره: مکتبه الخانجی.
۹. بازرگان، مهدی. (۱۳۸۶). سیر تحول قرآن (ج ۱). تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
۱۰. پیروزفر، سهیلا. (۱۳۹۰). اسباب نزول و نقش آن در تفسیر قرآن. مشهد: به نشر.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۳۸۷ق). الجامع الصحیح معروف به سنن ترمذی (ج ۵). مدینه: المکتبه السلفیه.
۱۲. ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی (ج ۱ و ۵). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. حکیم، سیدمحمدباقر. (۱۴۲۵ق). علوم القرآن. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۱۴. حیدری مزرعه آخوند، محمدعلی. (۱۳۹۵). عوامل پیدایش آیات مستثنیات، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، ۲۱(۸۱)، صص ۱۴۲-۱۶۵.
۱۵. دانی، عثمان بن سعید. (۲۰۱۱م). البیان فی عد آی القرآن (محقق: فرغلی سیدعرباوی). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. دروزه، محمد عزه. (۱۴۲۱ق). التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول (ج ۶، چاپ دوم). بیروت: دارالغرب الإسلامی.
۱۷. زرقانی، محمد عبدالعظیم. (بی تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن (ج ۱). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. زرکشی، محمد بن بهادر. (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن (ج ۱). بیروت: دارالمعرفة.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل (ج ۱، چاپ سوم)، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۰. سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم (ج ۱). بیروت: دارالفکر.
۲۱. سید قطب شاذلی. (۱۴۲۵ق). فی ضلال القرآن (ج ۱، چاپ سی وینجم). بیروت: دار الشروق.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج ۱). قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
۲۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۱ق). الإیتقان فی علوم القرآن (ج ۱، چاپ دوم). بیروت: دارالکتب العربی.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱ و ۲، چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۲ و ۶). تهران: ناصر خسرو.
۲۶. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۲ و ۲۰). بیروت: دارالمعرفة.
۲۷. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۶). ترجمه تفسیر طبری (ج ۱، چاپ دوم). تهران: توس.
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). التفسیر (تفسیر العیاشی) (ج ۱). تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۹. فائز، قاسم. (۱۳۹۰). بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی، فصلنامه مطالعات تفسیری، ۲(۸)، صص ۱۲۷-۱۵۲.

۳۰. فائز، قاسم. (۱۳۹۵). بررسی و نقد تداخل آیات مکی و مدنی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) (ج ۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۲. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث (ج ۱، چاپ سوم). تهران: بنیاد بعثت.

۳۳. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن (ج ۱، ۳). تهران: ناصر خسرو.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۵. ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). النکت و العیون تفسیر الماوردی (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

۳۶. معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۰ق). التمهید فی علوم القرآن (ج ۱، چاپ سوم). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

۳۷. مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان (ج ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۸. یعقوبی، محمد بن اسحاق. (۱۴۲۲ق). تاریخ یعقوبی (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳۹. هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر. (۱۴۰۸ق). مجمع الزوائد (ج ۶). بیروت: دارالکتب العلمیه.

References

- * The Holy Quran.
- * Nahj al-Balaghah.
1. Alousi, M. (1415 AH). *Rouh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim va al-Sab'a Al-Mathani* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah, Mohammad Ali Bayzoun Publications. [In Arabic]
 2. Abu Ubaidah, M. (1381 AH). *Majaz al-Qur'an* (Vol. 1). Cairo: Al-Khanji Library. [In Arabic]
 3. Ayashi, M. (1380 AH). *Al-Tafsir*. (Tafsir al-Ayashi) (Vol. 1). Tehran: Maktabah al-Ilmiyah al-Islamiyah. [In Arabic]
 4. Bazargan, M. (1386 AP). *The evolution of the Qur'an* (Vol. 1). Tehran: Mehdi Bazargan Cultural Foundation. [In Persian]
 5. Dani, O. (2011). *Al Bayan Fi Ad Ai Al Qur'an*. (Arabavi, F, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
 6. Daroza, M. A. (1421 AH). *Al-Tafsir al-Hadith: Tartib Al-Sowar Hasb al-Nozoul*. (Vol. 6, 2nd ed.). Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic]
 7. Fa'iz, Q. (1390 AP). Examining the theory of verses of exceptions in Makki and Madani Surahs, *Journal of Qur'an Interpretation Studies*, 2(8), pp. 127-152. [In Persian]
 8. Fa'iz, Q. (1395 AP). *Review and criticism of the interplay of Meccan and Madani verses*, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation. [In Persian]
 9. Fakhr Razi, M. (1420 AH). *Al-Tafseer Al-Kabir. (Mufatih al-Ghayb)* (Vol. 5). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
 10. Hakim, S. M. B. (1425 AH). *Sciences of the Qur'an*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
 11. Heydari Mazra'eh Akhund, M. A. (1395 AP). The factors behind the emergence of exceptions verses, *Journal of Quranic researches*, 21(81), pp. 142-165. [In Persian]
 12. Heythami, N. (1408 AH). *Majma Al Zawa'ed* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]

13. Ibn Abi Zamanain, M. (1424 AH). *Tafsir Ibn Abi- Zamanain* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
14. Ibn Adel, O. (1419 AH). *Allabab Fi Olum al-Kitab* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah, Mohammad Ali Bayzoun Publications. [In Arabic]
15. Ibn Ashour, M. T. (1420 AH). *Tafsir al-Tahreer va al-Tanvir al-Marouf be Tafsir Ibn Ashur* (Vol. 1). Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Foundation. [In Arabic]
16. Ibn Athir, A. (1386 AH). *Al-Kamal fi al-Tarikh* (Vol. 2). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
17. Ibn Saad, M. (1410 AH). *Tabaqat al-Kobra* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
18. Ibn Zaris, M. (1408 AH). *Fadael al-Qur'an*, Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
19. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 4). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
20. Maqatil ibn Suleiman. (1423 AH). *Tafsir Maqatil bin Sulaiman* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
21. Marefet, M. H. (1410 AH). *Al-Tamahid fi Ulum al-Qur'an*. (Vol. 1, 3rd ed.). Qom: Management Center of Qom Seminary. [In Arabic]
22. Mawardi, A. (n.d.). *Al-Nokat va al-Oyoun Tafsir al-Mawardi* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah, Mohammad Ali Bayzoun Publications.
23. Pirouzfere, S. (1390 AP). *The reasons for the descent and its role in the interpretation of the Qur'an*. Mashhad: Beh Nashr. [In Persian]
24. Qarashi Banaei, A. A. (1377 AP). *Tafsir Ahsan al-Hadith*. (Vol. 1, 3rd ed.). Tehran: Bethat Foundation. [In Persian]
25. Qurtubi, M. (1364 AP). *Al-Jamae le Ahkam al-Qur'an* (Vols. 1, 3). Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
26. Samarqandi, N. (1416 AH). *Tafsir Al-Samarqandi al-Musama Bahr al-Uloom* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
27. Seyed Qutb Shazali. (1425 AH). *Fi Zilal al-Qur'an*. (Vol. 1, 35th ed.). Beirut: Dar al-Sharouq. [In Arabic]

28. Soyouti, A. (1404 AH). *Al-Dur al-Manthur fi al-Tafseer be al-Mathur* (Vol. 1). Qom: Grand Ayatollah Marashi Najafi Public Library. [In Arabic]
29. Soyouti, A. (1421 AH). *Al-Itqan fi Olum al-Qur'an*. (Vol. 1, 2nd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
30. Tabari, M. (1412 AH). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 1, 2, 20). Beirut: Dar al-Ma'arifah. [In Arabic]
31. Tabarii, M. (1356 AP). *Translation of Tafsir al-Tabari* (Vol. 1, 2nd ed.). Tehran: Tous. [In Persian]
32. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 1, 2, 6). Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
33. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (Vols. 1, 2, 2nd ed.). Beirut: Mu'asisah al-A'almi le Matbu'at. [In Arabic]
34. Thaalbi, A. (1422 AH). *Al-Kashf va Al-Bayan al-Ma'roof Tafsir al-Thalabi* (Vols. 1, 5). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
35. Tirmidhi, M. (1387 AH). *Al-Jamae al-Sahih Marouf be Sunan Tirmidhi* (Vol. 5). Madinah: al-Maktab al-Salafiyyah. [In Arabic]
36. Yaqoubi, M. (1422 AH). *Yaqoubi History* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
37. Zamakhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashaf an haqa'iq Ghawamiz Al-Tanzil va Oyoun Al-Aghawil fi Vojouh al-Ta'awil*. (Vol. 1, 3rd ed.), Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
38. Zarakshi, M. (1410 AH). *Al-Burhan fi Olum al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ma'arifah. [In Arabic]
39. Zarqani, M. A. (n.d.). *Manahel al-Irfan fi Olum al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.